

تفسیر احمد

سورہ التین



۱۳۹۴

ترجمہ و تفسیر سورہ التین
تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مہتمم و دیزاین: الحاج سلیم عابد « پیمان »

سوره التین

این سوره در « مکه » نازل شده و مکی بوده و دارای 8 آیه است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ﴿١﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ ﴿٧﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾

معلومات موجز:

سوره «التین» مکی است و دارای (1) رکوع، (8) هشت آیت، (32) سی و دو کلمه، (165) یکصد و شصت و پنج حرف، و (33) سی و سه نقطه است.

ترجمه موجز:

سم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

« و التین و الزيتون » (1) قسم به تین و زیتون (دو میوه معروف انجیر و زیت یا دو معبد بزرگ کعبه و بیت المقدس).

« و طور سینین » (2) (و قسم به طور سینا)

« و هذا البلد الامین » (3) (و قسم به این شهر امن و امان (مگه معظم) .

« لقد خلقنا الانسن فی احسن تقویم » (4) (یقناً که ما انسان را در نیکوترین صورت (در مراتب وجود) بیافریدیم.)

« ثم رددنه اسفل سفلین » (5) (سپس (به کیفر کفر و گناهش) به اسفل سافلین (جهنم و پست ترین رتبه امکان) برگردانیدیم.)

« إلا الذین آمنوا و عملوا الصلحت فلهم اجر غیر ممنون » (6) (مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند که به آنها پاداش دائمی (بهشت ابد) عطا کنیم.)

« فما یکذبک بعد بالذین » (7) (پس (ای انسان مشرک ناسپاس) چه تو را بر آن داشت که دین حق و روز جزا را تکذیب کنی؟)

« ألیس الله بأ حکم الحاکمین » (8) (آیا خدا مقتدرترین و عادل ترین حکمفرمایان (حاکم مطلق) عالم نیست؟)

وجه تسمیه:

علت تسمیه این سوره را مفسرین چنین بیان میدارند: که پروردگار عزوجل در آغاز این سوره به چهار چیز پر اهمیتی قسم یاد کرده است.

«طوریکه می فرماید: قسم به انجیر و زیتون ، یا قسم به سرزمین شام و بیت المقدس» نام این سوره « التین » از آیه اول این سوره اخذ گردیده است .

قسم پروردگار در آغاز سوره به « تین: انجیر» و «زیتون» بدین معنی ومفهوم است

سوره التین

- که در انجیر و زیتون خیرات و برکات بسیاری متعددی نهفته است .
- برخی از مفسرین می نویسند که این گونه قسم ها در سوره «التین» اشاره به مراحل چهار گانه خودشناسی انسان را می رساند ، و ناظر به آیه : « إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ » است.
- «تین» اشاره است به دوران و مقام آدم علیه السلام (که در جنت به آن آراسته بود).
- طور سنین اشاره به مقام حضرت موسی علیه السلام (که تفصیل آن در سوره آل عمران) ذکر گردیده است .
- « بلد آمین » اشاره به مقام رفیع حضرت محمد صلی الله علیه وسلم دارد که تنها در سایه دین اسلام میسر است (سوره آل ابراهیم). یعنی انسان با طی این مراحل است که به احسن تقویم می رسد.
- هکذا مفسرین تفسیر های مختلفی برای «تین» و «زیتون» بعمل آورده اند که عبارتند از:
- مقصود از «تین» و «زیتون» همان دو میوه معروف است؛
- «تین» مسجدی است که حضرت نوح(ع) روی کوه جودی بنا کرد و «زیتون» مسجد شهر قدس است؛
- «تین» و «زیتون» اشاره به سرزمین هایی است که درخت انجیر و زیتون در آن پرورش می یابد؛
- «تین» و «زیتون» نام دو کوه در شام است؛
- «تین» و «زیتون» نام دو شهر است؛
- «تین» و «زیتون» نام دو مسجد در شام است؛
- «تین» مسجد الحرام و «زیتون» مسجد اقصی است؛
- «تین» شهر دمشق و «زیتون» شهر قدس است؛
- «تین» مسجد دمشق و «زیتون» مسجد شهر قدس است؛
- «تین» کوهی است که دمشق بر آن بنا شده و «زیتون» کوهی در شهر قدس است؛
- «تین» مسجد اصحاب کهف (کهف: 21) و «زیتون» مسجد شهر قدس است؛
- «تین» کوه «طور تینا» و «زیتون» کوه «طور زیتا» است؛
- «تین» اشاره به دوران حضرت آدم(ع) و «زیتون» اشاره به دوران حضرت نوح(ع) است؛
- «تین» و «زیتون» سرزمین فلسطین است؛
- هستند مفسرین که در تفاسیر خویش مینویسند که هدف از زیتون ، همانا زیتون بیت المقدس است .

کوه زیتا یا کوه زیتون :

نام کوه زیتون از درخت زیتون که به اندازه زیادی در این کوه وجود داشته ،ماخوذ شده است ، کوه زیتون را اعراب به « کوه طور » و یا کوه « طور زیتا » نیز می شناسند وقریه طور بالای این کوه موقعیت دارد . این کوه در شرق شهر بیت المقدس واقع است ،

سوره التین

کوه است که بر تمام شهر بیت المقدس مشرف می باشد. ارتفاع این کوه از سطح بحر تقریباً به 826 متر می باشد. می گویند حضرت مسیح عیسی بن مریم به منظور فرار از آزار و اذیت یهودیها به کوه زیتون پناه می برد. و در انجیل متی خطاب به بیت المقدس گفته است: ای اورشلیم، ای قاتل انبیاء و ای شهری که به سوی فرستادگان الهی سنگ پرتاب می کنی، چند بار خواستم فرزندان ترا همان گونه که مرغ جوجه های خود را زیر پر و بال خود می گیرد جمع کنم ولی نخواستید پس بروید که این منزل تنها به صورت مخروبه ای برای شما باقی خواهد ماند.

اسباب نزول :

ابن جریر از طریق عوفی از ابن عباس (رض) روایت کرده است: که در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم اشخاصی بودند که سن و سال شان بالا رفته پیر شده بودند وقتی که به دلیل پیری عقل و اندیشه شان را از دست داده، در این باره آنها از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال کردند. پس خدای متعال وحی فرستاد و آنها را معذور داشت و فرمود اجر و پاداش اعمال خیری که در راه اسلام قبل از دست دادن عقل و خرد خود انجام داده اند نصیب آنهاست.

محتوا سوره :

طوریکه در فوق یاد آور شدیم: این سوره به آفرینش، مراحل تکامل، و انحطاط انسان می پردازد. بعد از شمردن عوامل نجات انسان، با تاکید بر مساله قیامت و حاکمیت مطلقه خداوند پایان می گیرد.

نکته ای که در این سوره مبارکه بسیار جلب توجه می کند این است که چرا پروردگار با عظمت ما به دو میوه مفیده «انجیر و زیتون» قسم می خورد که انشا الله مختصراً به توضیح آن در روشنی نظریات و تفاسیر مفسرین خواهیم پرداخت؟

ترجمه و تفسیر:

« وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ » (قسم به « بلد » انجیر و زیتون!)

«تین» در لغت به معنی «انجیر» و «زیتون» همان زیتون معروف و مشهوری است که مردم از آن روغن مفیده را بدست می آورند.

درمورد اینکه آیا هدف قسم در این به این دو میوه معروف است یا هدف از قسم پروردگار چیزی دیگری است؟ مفسران تفاسیر، تاویلات و تحلیل های مختلفی را در این مورد ارائه فرموده اند. تعدادی از مفسرین بدین نظر اند که ذکر این دو میوه معروف و مشهور در این سوره اشاره به خوراکه مفیده غذایی که خواص تداوی فوق العاده زیاد و مختلف النوع را دارد.

برخی از مفسران بدین باور اند که هدف از آن میوه «تین و زیتون» در این سوره نیست، بلکه هدف از آن: طوریکه در فوق هم یاد آور شدیم عبارت از: دو کوهی معروف و مشهوری است که در شهر «دمشق» و «بیت المقدس» موقعیت دارد. و این دو سرزمین، محل قیام بسیاری از انبیاء و پیامبران بزرگ خداست، یکی مبعث شدن

سوره التین

حضرت موسی علیه السلام و دیگری مبعث شدن اسمعیل علیه السلام و محمد صلی الله علیه و سلم است که از فحواى قسم های آیت سوم و چهارم که از سرزمینهای مقدسی یاد می کند میتوان فهمید.

برخی از مفسرین می فرمایند که: «التین»: انجیر. و ذکر آن در این سوره اشاره به دوران آدم علیه السلام است که او و زوجه اش بی بی حوا در جنت، برگ درختان و چه بسا انجیر را برای پوشش عورت خویش مورد استفاده قرار دادند: طوریکه ذکر آن در (سوره اعراف / 22) بعمل آمده است.

کلمه «الزیتون»: زیتون اشاره به دوران نوح است. که آدم دوم لقب گرفته است. گویا در آخرین مراحل طوفان، نوح کبوتری را رها کرد تا درباره پیدا شدن خشکی از زیر آب جستجو کند. کبوتر با شاخه زیتونی بازگشت، از بازگشت کبوتر و نشستن آن بر شاخه زیتون نوح علیه السلام استنباط نمود که طوفان دیگر به پایان خود رسیده است. طوریکه شاخه زیتون بحیث سمبول صلح و امنیت در بین تعداد از عرب های شهرت دارد. کوه «طور زیتا» که در بیت المقدس است. (مراجعه شود: جزء عم شیخ محمد عبده).

مفسر ابوحیان در تفسیر «بحرالمحیط» می نویسد: «ظاهرا مراد حق تعالی سوگند به خود انجیر و زیتون است». آری! حق تعالی به انجیر سوگند خورد زیرا انجیر میوه ای است که از تیرگی ها و آلائش هایی که لذت را می کاهد، خالص شده است به سبب آن که تمام آن با پوست و گوشت و دانه خورده می شود همچنین انجیر هم غذاست، هم میوه و هم دوا. انجیر غذایی است نرم و زودهضم که در معده بسیار نمی ماند، دوايي است ملین طبع، کاهش دهنده بلغم، پاک کننده کلیه ها و مثانه، فربه کننده بدن، بازکننده مسامات کبد و طحال و میوه ای است از بهترین و ستوده ترین میوه ها.

بسیاری از اطباء نیز برآنند که انجیر مفیدترین میوه ها و مغذی ترین آنها برای بدن است. اما زیتون نیز هم میوه است، و هم میتوان از آن روغن بدست آورد و هم میتوان از آن در در ترکیب بسیاری از دوا های استفاده بعمل آورد.

« وَطُورِ سَيْنِينَ » (و قسم به طور سینین!)

«طُورِ سَيْنِينَ»: اسم کوهی است که در صحرای سیناء موقیت دارد و حضرت موسی علیه السلام در بالای آن به مناجات با پروردگار با عظمت پرداخت. در کنار این کوه نور شریعت موسوی تابیدن گرفت (مراجعه شود به سوره: مریم / 52). طور سینین، همان وادی سینا که در میان مصر و فلسطین امروزی موقیت دارد. کوه طور از جمله کوه های است که در شبه جزیره سینا موقیت داشته، این کوه در دین ابراهیمی و بخصوص دین یهودیت از موقیت خاصی برخوردار است. تعداد کثیری از روایات دینی یهودی به اصطلاح از همین کوه سر چشمه می گیرد. کوه طور عبارت از همان کوه است که بنی اسرائیل بعد از سه ماه از ترک مصر به آنجا رسیدند و در جوار آن خیمه زدند.

سوره التین

مطابق برخی از روایات ادیان ابراهیمی ، خداوند شریعت را آنجا به بنی اسرائیل عطا کرد ، گوساله سامری در همین کوه ساخته شده است .
در این کوه برای اولین بار وحی بر موسی علیه السلام نازل و در زیر درخت زیتون به وسیله آتش بر وی تجلی نمود . (خروج ۱۶: ۱۷)
این کوه به نام های کوه حوریب ، جبل الله ، جبل موسی در بین مردم شهرت دارد .
این کوه 2285 متر از سطح بحر ارتفاع دارد و به فاصله 30 مایلی جنوب العریش واقع می باشد .

« وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ » (وقسم و سوگند به این شهر امین (مگه) !
هدف از « الْبَلَدِ الْأَمِينِ » : یا شهر امین . سرزمین مکه معظمه است ، سرزمینی که حتی در عصر جاهلیت هم به عنوان منطقه امن و حرم خدا شمرده می شد، و کسی در آنجا حق تعرض به دیگری نداشت .

مکه معظمه بحیث شهر « امین » نه تنها برای : انسانها ، بلکه برای حیوانات ، درختان و گیاهان و پرندگان میباشد ، نه جاننداری در آنجا کشته می شود و نه گیاهی کنده می گردد ، مگر انواعی از نباتات که مردم بدانها نیازمندند (تفصیل بیشتر را میتوان در جزء عمّ شیخ محمّد عبده مطالعه فرماید) .
« الْأَمِينِ » : سرزمین دارای امن و امان (مراجعه شود به سوره بقره / 126 ، آل عمران / 97 ، قصص / 57) .

در این آیات « طور سنین و بلد الامین » دارای مفهوم واضح و روشن است که هیچگونه مناقشه را ایجاد نمی کند، طوریکه در فوق یاد آور شدیم: یکی مبعث شدن حضرت موسی و دیگری مبعث شدن اسمعیل علیه السلام و محمد صلی الله علیه وسلم است .
اگر در روشنایی آیات دیگری قرآن غور کنیم ، به وضاحت در خواهیم یافت که میان این دو سرزمین فقط یک شباهت خاصی وجود دارد و آن اینکه هر دو منسوب به پیامبران اند و دو پیامبر جلیل القدر در آن مبعوث شده اند ، در طور سینا حضرت موسی علیه وسلم و در بلد الامین پیامبر صلی الله علیه وسلم مبعوث شد ، هر دو مبعث پیامبران و مهبط وحی اند .

ارتباط قسم به طور سنین و بلد الامین ، با جواب قسم کاملاً واضح و هویداست ، زیرا این دو سرزمین که مهبط وحی بوده و بزرگترین شخصیت های تاریخی در آن تبارز کرده اند ، بخوبی گواهی می دهند که در انسان استعداد های بزرگی گذشته شده و در بهترین ساختاری آفریده شده ، مگر وجود این پیامبران بزرگ و جلیل القدر که به آن مقام بلند و رفیع رسیدند، هر یک انقلاب عظیمی و عمیقی را رهبری کردند ، و چون مشعل فروزان درخشیدند و شب تیره و تار جامعه جهل زده و ستم زده را روشن کردند .
بعد از ذکر این قسمهای پر محتوای چهارگانه که مختصراً بدان اشاره نمودیم ، درآیت ذیل به جواب قسم پرداخته چنین می فرماید:

« لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ » ما انسان را (از نظر جسم و روح) در بهترین شکل و زیباترین سیما آفریده ایم .

سوره التین

« لَقَدْ خَلَقْنَا . . . » : جواب قسمهای چهارگانه است . « أَحْسَنَ » : زیباترین . بهترین «تقویم» به معنی در آوردن چیزی به صورت مناسب ، و نظام معتدل و کیفیت شایسته است ، و گستردگی مفهوم آن اشاره به این است که خداوند انسان را از هر نظر موزون و شایسته آفرید، هم از نظر جسمی ، و هم از نظر روحی و عقلی ، چرا که هر گونه استعدادی را در وجود او قرار داده ، و او را برای پیمودن قوس صعودی بسیار عظیمی آماده ساخته ، و با اینکه انسان جرم صغیری است ، (عالم کبیر (را در او جا داده و آنقدر شایستگیها به او بخشیده که لایق خلعت و لُقَد کرمانا بنی آدم ما فرزندان آدم را کرامت و عظمت بخشیدیم (سوره اسراء آیه 70) شده است همان انسانی که بعد از اتمام خلقتش می فرماید: « فَبَارِكْ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ » پس بزرگ و پر برکت است خدائی که بهترین خلق کنندگان است!

ولی همین انسان با تمام این امتیازات اگر از مسیر حق منحرف گردد چنان سقوط می کند که به «اسفل السافلین» کشیده می شود، لذا در آیه بعد می فرماید سپس ما او را بیائینترین مراحل باز گرداندیم یعنی «ثم رددناه اسفل سافلین.»

می گویند همیشه در کنار کوه های بلند دره های بسیار عمیق وجود دارد، و در برابر آن قوس صعودی تکامل انسان ، قوس نزولی وحشتناکی دیده می شود، چرا چنین نباشد در حالی که موجودی است مملو از استعدادهای سرشار که اگر در طریق صلاح از آن استفاده کند بر بالاترین قله افتخار قرار می گیرد، و اگر این همه هوش و استعداد را در طریق فساد به کار اندازد بزرگترین مفسده را می آفریند و طبیعی است که به اسفل السافلین کشیده شود.

« **ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ** » (سپس ما او را به میان پست‌ترین پستان برمی‌گردانیم (و از زمره بدترین مردمان می‌گردانیم).

« رَدَدْنَاهُ » : او را برمی‌گردانیم . او را قرار می‌دهیم . کلمه (رَدَّ) را به معنی اصلی برگرداندن ، و معنی ضمنی جعل ، یعنی قرار دادن و ساختن دانسته‌اند (روح‌المعانی).

« أَسْفَلَ » : پائین‌ترین . مفعول به یا منصوب به نزع خافض است .

« سَافِلِينَ » : پائین‌تران . پستان . جمع مذکر سالم است و مراد انسانهایی است که امتیاز انسانیت خود را نادیده می‌گیرند ، و به جای پیمودن قوس صعودی ایمان و دینداری ، قوس نزولی کفر و بی‌دینی را طی می‌کنند ، و از درجه والای اعلی علیین به ژرفای گودال اسفل سافلین فرو می‌افتند . « رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ » : این بند ، بدین واقعیت اشاره دارد که : کسانی که راه کفر و شرک و ستمگری و زورگوئی و سایر مفاسد را در پیش می‌گیرند ، از مقام انسانیت سقوط می‌کنند و در نظر خدا از پستان پست بشمار می‌آیند ، و در دنیا از زمره ناپاکان ، و در آخرت از جمله دوزخیانند . (تفصیل این موضوع را در سوره : نساء / 145 ، صافات / 98 ، فصلت / 29 ، بینه / 6) مطالعه فرماید .

همین انسان با تمام این امتیازات که برایش داده شده است ، اگر از مسیر حق منحرف گردد چنان سقوط می‌کند که به اسفل السافلین کشیده می‌شود .

ولی در آیه بعد می افزایشد : مگر کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح

سوره التین

انجام داده اند که برای آنها پاداشی است قطع ناشدنی (الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون). «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (مگر کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند که آنان پاداش قطع ناشدنی و بی‌منت دارند.)

«غَيْرُ مَمْنُونٍ»: ناگسیختنی، قطع ناشدنی، بی‌منت (مراجعه شود به سوره فصّلت / 8 ، قلم / 3 ، انشقاق / 25).

«ممنون» از ماده من در اینجا به معنی قطع یا نقص است ، بنابراین غیر ممنون اشاره به پاداشی دائمی و خالی از هر گونه نقص است ، و بعضی گفته اند منظور خالی از منت بودن است اما معنی اول مناسب تر به نظر می رسد.

در تفسیر این آیه مبارکه باید گفت که: ایمان به تنهایی ، برای نجات کافی نیست! و ایمان و عمل صالح، ارکان اساسی قرب الی الله ، ایمان و عمل صالح از شاخص ترین، بلکه از بارزترین و مهمترین عواملی که سبب داخل شدن انسان به به جنت می گردد همانان ، ایمان و عمل صالح است.

به یاد داشته باشید که ایمان بدون عمل، اثری ندارد، همچنان عمل بدون ایمان هم سودبخش نیست و مفید تمام نمی شود . با نگاهی کوتاه به آیات قرآن، در می یابیم که سعادت و خوشبختی انسان و جامعه در گرو دو چیز است: ایمان و عمل صالح و زندگی با ایمان و عمل شایسته.

خداوند در قرآن می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره نحل، آیه 97 - 134. سوره بقره، آیه 82) .

هر کس از مرد و زن، کار نیکی را به شرط ایمان برای خدا به جا آرد، ما او را در زندگانی، خوش و با سعادت زنده ابد می گردانیم و اجری بسیار از عمل نیکی که کرده به او عطا می کنیم.

و در آیه دیگری می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.» (سوره بقره ، آیه 82) (کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، آنها یاران بهشت اند و برای همیشه در آن خواهند ماند.)

«ایمان» و «عمل صالح» از جمله چیزهایی هستند که خدای متعال آنها را از ما مطالبه کرده و آنرا شرط رسیدن به کمال و سعادت بشر دانسته است. این دو مفهوم در قرآن کریم در بسیاری از موارد در کنار هم ذکر شده‌اند و بر تلازم آنها با یکدیگر تأکید گردیده است. نمونه‌ای از این آیات را با هم مرور می‌کنیم:

- وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (سوره بقره آیه 25) و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده که ایشان را باغ‌هایی خواهد بود که از زیر (درختان) آنها جوی‌ها روان است.

- الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ (سوره رعد آیه 29) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، خوشا به حالشان، و خوش سرانجامی دارند.

- فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ (سوره انبیاء آیه 94) پس هر که کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن (هم) باشد، برای تلاش او نا سپاسی نخواهد شد. از این آیات معلوم می‌شود وظیفه ما در قبال خدای متعال، «ایمان» و «عمل صالح» است.

علماء رابطه «ایمان» و «عمل صالح» مثل رابطه «درخت» و «میوه» می‌دانند. یک درخت سالم (از درختان میوه) خالی از میوه نخواهد بود، همچنین ایمان از عمل صالح جدا نخواهد شد، نگر ایمانهای ضعیف و کم نور که در برابر شهوت و هوس و هوس‌ها از اثر می‌افتد و به تعبیر روشنتر عمل صالح تجسم ایمان قلبی است. البته این سخن بدان معنا نیست که معصیتکاران یا مرتکبان کبیره کافرند آنگونه که خوارج می‌پنداشتند، بلکه منظور این است ایمان قوی هرگز از عمل صالح مقدم داشته شده، با اینکه به نظر می‌رسد انجام واجبات و ترک محرمات کاری مشکل‌تر از ایمان است، و قاعدتاً باید مقدم داشته شود، ایم بخاطر آنست که قرآن با این بیان می‌خواهد اشاره به ریشه و اساس بودن ایمان نسبت به اعمال صالح کند. تعبیر به ایمان و عمل صالح، آنچنان تعبیر گسترده‌ای است که تمام مراحل ایمان به خدا و سایر مبانی اعتقادی را از یکسو، و انجام هرگونه کار شایسته فردی و اجتماعی و سیاسی و عبادی را از سوی دیگر شامل می‌شود.

«وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/3-1) در سوره عصر به زمان قسم یاد می‌کند و می‌فرماید: قسم به زمان! انسانها در زیانند، مگر کسانی که ایمان دارند، «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و عمل صالح انجام می‌دهند.

ایمان به تنهایی هیچ فایده‌ای ندارد؛ ایمان و عمل همیشه توأم با یکدیگر هستند.

رابطه ایمان و عمل صالح:

ایمان و عمل صالح ارتباط متقابلی با یکدیگر دارند. در آیات بسیاری از قرآن کریم به عمل صالح نیز بعد از ایمان اشاره شده است. این دو درحقیقت مانند دو پله ترازویی هستند که سنجش بدون یکی از آن دو ممکن نیست و ایمان بدون عمل صالح، سودی نخواهد داشت. اگر کسی بدون آنکه به برنامه‌های اسلام عمل کند، ادعای ایمان داشته باشد، ایمانش، ادعایی بیش نیست و هیچ سودی به حال او نخواهد داشت.

قرآن مجید در این باره می‌فرماید: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمْنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ» (انعام، 158).

آثار و فواید پیوند ایمان و عمل صالح:

فواید و ثمراتی که از توأم بودن ایمان و عمل صالح در قرآن آمده، نشان دهنده این است که این دو با هم ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی دارند. اگر ایمان در اعماق جان نفوذ کند، شعاع آن در اعمال انسان خواهد تابید و عمل او را صالح می‌کند؛ زیرا عمل صالح، میوه درخت ایمان و ایمان همچون ریشه می‌باشد، و وجود میوه شیرین، دلیل بر

سوره التین

سلامت ریشه و ایمان بدون عمل صالح ، درختی بی میوه است . بنابراین ثمره این دو عبارتست از:

محو و زدودن گناهان:

اعمال صالح موجب می شود گناهان گذشته انسان محو شود. خداوند می فرماید: «يَكْفُرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ؛ و بخشی از گناهانتان را می زدايد.» و «ان الحسنات يذهبن السيئات؛ قطعاً نیکی ها بدی ها را از بین می برند» .

عامل سعادت و رستگاری:

معیار سعادت انسان ، ایمان و عمل صالح است: سعادت دارای درجات و مراتب مختلفی می باشد . عمل صالح، مرحله اولی از مراحل کمال و سعادت انسانی است و موجب صفا و طهارت در حواس و اعضا می شود.

خداوند متعال می فرماید: « مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً » هرکس از زن یا مرد عمل صالح انجام دهد، زندگی پاکیزه خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارش به او عطا خواهیم کرد.» (سوره نحل ، 97)

عمل صالح زندگی دنیوی و اخروی انسان را تغییر می دهد و حیات طیب در دنیا و آخرت را نصیب افراد مؤمن نیکوکار می سازد. عمل صالح (نیکوکاری) همراه ایمان، بزرگ ترین بهایی است که خریداران فلاح و رستگاری را به آن می رساند.

از منظر وفهم قرآن، رستگاری محصول عمل صالح و ایمان است. بنابراین ملاک در سعادت، حقیقت ایمان و عمل صالح است، نه صرف ادعای لفظی و زبانی.

آخرین درجه سعادت، رسیدن به لقای پروردگار است که با عمل صالح میسر و امکان پذیر می شود: « فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا ؛ هرکس به ملاقات پروردگارش امیدوار باشد، باید عمل صالح انجام دهد.»

در سوره عصر به زمان قسم یاد می کند و می فرماید : قسم به زمان ! انسانها در زیانند ، مگر کسانی که ایمان دارند ، « وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ » و عمل صالح انجام می دهند. نقطه قابل توجه که در این سوره وجود دارد اینست که ایمان به تنهایی هیچ فایده ای ندارد ؛ ایمان و عمل همیشه توأمان با یکدیگر هستند.

محبت آفرینی و ایجاد دوستی:

از دیگر ثمرات ایمان و عمل صالح، محبت آفرینی است که الله تعالی می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا » آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند رحمان دوستی آنان را در دل های مردم قرار می دهد. (سوره مریم ، 96).

بنابراین ایجاد دوستی، یکی از ثمرات ایمان و عمل صالح است و از دیگر ثمرات این دو عبارتند از: دادن جزا و پاداش نیکو و ضایع نشدن اجر، کسب خوف و رجاء، مورد مغفرت واقع شدن، خوش عاقبتی، رزق زیاد، بهره مندی از رحمت و موهبت الهی، هدایت از ظلمات به نور، زیانکار نبودن، فوز و پیروزی بزرگ ، وعده بهشت و جاودان بودن آن و...

سوره التین

باید توجه داشت ثمرات و فوائد مذکور به شرط توأم بودن ایمان و عمل صالح به دست می آید و لازمه حصول آنها منوط به وجود ایمان در کنار عمل صالح است و خداوند عمل صالح را به اندازه توان و طاقت انسان تعیین کرده؛ تا افراد مؤمن بتوانند عمل صالح را در کنار ایمان انجام دهند. علاوه بر آیات، روایات زیادی بر ارتباط متقابل ایمان و عمل صالح، تصریح کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود.

نتیجه گیری:

از مجموع آیات و روایات استفاده می شود که ایمان و عمل مانند دو بال هستند که پرواز با يك بال ممکن نیست. و دو واقعیت جدانشدنی هستند و مقارنت ایمان و عمل صالح در آیات و عدم مخالفت روایات وارده در این زمینه، ارتباط مستقیم و متقابل این دو را تصدیق می کند.

« **فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدُ بِالْإِيمَانِ** » « پس بعد از این چه چیز تو را به تکذیب روز جزا وامی دارد؟ » یعنی: ای انسان منکر! اکنون که دانستی خداوند تو را در نیکوترین ساختار آفریده است و هم اوست که تو را به فرودین فرود برمی گرداند پس چه چیز تو را وامی دارد که رستخیز و جزا را منکر گردی؟ به قولی: خطاب برای رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است. یعنی ای محمد صلی الله علیه وسلم ، بعد از ظهور این دلایل قاطع و گویا ، باز کدامین انسان تو را تکذیب می کند؟

« **أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ** » « آیا خداوند حکم کننده ترین حاکمان نیست » هم در قضا و هم در عدل خویش؟ بی شك که هست ؛ از آن رو که او انسان را به نیکویی و زیبایی و با بهترین ساختار آفرید ، سپس کافران و منکران خویش را در فرودین فرود دوزخ افکند و مؤمنان را به درجاتی بلند برتری بخشید ؛ پس از عدل اوست که قیامت را برپا می دارد تا مظلومان داد خویش را از ظالمان بستانند.

در تفسیر المیزان درباره این آیه مبارکه می نویسد : « آیا خدا بهترین حکم کنندگان نیست ؟) در ادامه با استفهامی توبیخی خطاب به نوع انسان می فرماید: چه عاملی تو را به این امر واداشته که جزای روز قیامت را تکذیب کنی ؟ با اینکه ما نوع انسان را به دو گروه پاداش داده شده و برگردانده شده به اسفل السافلین تقسیم کرده ایم ، آیا جز این است که خداوند احکم الحاکمین است و حکم او مافوق هر حاکم می باشد، زیرا حکم او در اتقان و نفوذ از حکم هر حاکم دیگر برتر است ، و همین حکم متقن و حکیمانه اقتضای می کند که این دو طائفه از انسانها در جزا مختلف و متفاوت باشند، پس باید روز جزایی باشد تا هر کس مطابق عملش جزا داده شود و عقل و فطرت انسان هرگز تجویز نمی کند که روز جزایی در بین نباشد .

پیام های سوره تین:

1- نعمت های دنیوی حتی خوردنی ها، قداست دارد و مورد سوگند الهی واقع شده اند. «و التین و الزیتون».

2- سلامتی که از طریق غذا به دست می آید و امنیت، مهم ترین نیازهای مادی انسان

سوره التین

- است. «التین و الزیتون... البلد الامین».
- 3- قداست وحی، به زمین‌ها نیز سرایت می‌کند. «طور سینین».
- 4- امنیّت شهر مکه، دعای حضرت ابراهیم است که گفت: «ربّ اجعل هذا بلداً آمناً» و این دعا مورد استجابت واقع شد. «هذا البلد الامین»
- 5- انسان در آفرینش بر همه‌ی موجودات برتری دارد. «خلقنا الانسان فی احسن تقویم»
- 6- خداوند بر آغاز و فرجام انسان حاکم است. «خلقنا... رددنا»
- 7- انسان در اصل خلقت پستی ندارد و سقوط او در طیّ مراحل زندگی واقع می‌شود. «خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثمّ رددناه اسفل سافلین»
- 8- انسان که برترین مخلوق است، سقوطش نیز از همه موجودات پست‌تر است. «احسن تقویم... اسفل سافلین» (چنانکه در آیات دیگر نیز می‌فرماید: «اولئک کالانعام بل هم اضلّ»
- 9- دوری از ایمان و عمل صالح سبب سقوط است و ایمان، عامل دوری از هر گونه پستی و نزول است. «رددناه اسفل سافلین الاّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات»
- 10- با آنکه خداوند خالق انسان است و هرگونه بخواهد حق دارد با مخلوقش رفتار کند، اما او بر اساس عدل، حکم می‌کند و بهترین داوران است. «احکم الحاکمین»
- ### میوجات وحبوبات ذکر شده در قرآن:

همه ای گیاهانی که از زمین می‌رویند از هر نظر مهم و آیت روشنی از عظمت پروردگار با عظمت می‌باشند. در قرآن عظیم‌الشان از گیاه به عنوان «نبات» بیش از 20 بار، از درخت با عنوان «شجره» بیش از 20 بار، از میوه با عنوان «فاکّه و ثمر» بیش از 30 بار، از دانه حبوبات با عنوان «حب» بیش از 10 بار و از زراعت با عنوان «زرع» 9 بار و از سبزی با عنوان «قضب و بقل» دو بار ذکری بعمل آمده است.

«انار» (رمان)

کلمه انار سه بار در قرآن عظیم‌الشان ذکر گردیده است. (سوره انعام آیه 99، سوره انعام آیه 141، سوره الرحمن آیه 68)

«انجیر» (تین)

انجیر یک بار در قرآن عظیم‌الشان ذکر گردیده است آنهم در سوره (تین آیه 1) انجیر از جمله قویترین میوه‌ها و یا هم گفته می‌توانیم که انجیر از بهترین مواد غذایی است که انسان می‌تواند در هر سن سال از آن استفاده نماید، انجیر می‌تواند به عنوان قند طبیعی برای کودکان استفاده نمود. ورزشکاران و نیز آنها که دچار ضعف یا پیری هستند می‌توانند از انجیر برای تغذیه خود استفاده کنند.

می‌گویند «افلاطون» به قدری انجیر را دوست می‌داشت که بعضی آن را دوست فیلسوفان نامیده‌اند.

«سقراط» انجیر را جذب‌کننده مواد نافع و دفع‌کننده ضرر می‌دانسته است. «جالینوس» رژیم مخصوصی از انجیر برای پهلوانان تنظیم کرده بود. به پهلوانان روم و یونان قدیم نیز انجیر داده می‌شد.

سوره التین

علماء می گویند: انجیر سرشار است از ویتامین های مختلف و قند. و در بسیاری از امراض از آن به عنوان یک دوا می توان استفاده کرد مخصوصاً هرگاه انجیر و عسل را به طور مساوی مخلوط کنند برای زخم معده بسیار مفید است. خوردن انجیر خشک، باعث تقویت حافظه می شود و به علت وجود عناصر معدنی در انجیر که سبب تعادل قوای بدن و خون می گردد، انجیر را غذای هر سن و شرایطی، معرفی کرده اند.

«انگور» (عنب)

میوه انگور، به صورت جمع و مفرد (عنب و اعناب) بیش از 10 بار در قرآن عظیم الشان ذکر گردیده است (سوره رعد آیه 4، سوره نحل آیه 11 و یس آیه 34، سوره نحل آیه 67، سوره اسرا آیه، سوره کهف آیه 32 و 42)

«خرما» (رطب)

«درخت خرما» (نخل، نخیل، نخله) کلمه نخل و نخیل در 20 آیه از قرآن عظیم الشان ذکر شده است (سوره رعد آیه 4، سوره انعام آیه 99، سوره ق آیه 10، سوره انعام آیه 141، سوره یس آیه 34)

«خیار» (بادرنگ)

خیار در ماجرای بنی اسرائیل آمده که آنان به یک غذا قناعت نکردند و از موسی علیه و السلام خیار خواستند. (سوره بقره آیه 61)

«زیتون»

نام زیتون 6 بار در قرآن عظیم الشان تذکر رفته است، یک بار به طور مستقیم به درختی اشاره شده که در کوه سینا می روید و از آن روغن تولید می گردد (ذکر آن در سوره مؤمنون آیه 20).

هکذا نام درخت زیتون دو بار به تنهایی و پنج بار همراه دیگر میوه ها همچون خرما، انار، انگور و انجیر به کار رفته است. در قرآن عظیم الشان درخت زیتون از نشانه های خداوند معرفی شده (سوره نحل آیه 11) و درخت زیتون از جمله درخت مبارک و پر برکت ذکر شده است (سوره نور آیه 35) همچنین خداوند متعال به درخت قسم یاد کرده است (سوره نور آیه 35).

«موز» (کلیه)

موز یک بار در قرآن کریم آمده است که بهشتیان از درخت موزی که میوه اش بر روی هم چیده شده بر خوردارند (سوره واقعه آیه 29)، البته غالب مفسران قرآن عظیم الشان، «طلح» را درخت موز می دانند اما فاروقی آن را «اقاقیا» می داند.

«پیاز» (بصل)

یاد کردن از پیاز در ماجرای بنی اسرائیل است که آنان به یک نوع غذا قناعت نکردند و از موسی (ع) پیاز خواستند (سوره بقره آیه 61)

«سیر» (فوم)

در قرآن کریم و در ماجرای بنی اسرائیل سیر هم یکی از خواسته های قوم، از حضرت موسی (ع) بوده است (سوره بقره آیه 61)

«ترنجبین» (من)

قرآن کریم سه بار از ترنجبین یاد می کند که به عنوان نعمت به بنی اسرائیل عطا شده است (سوره بقره آیه 57، سوره اعراف آیه 160، سوره طه آیه 80)

«حنا» (کافور)

کلمه کافور یک بار در قرآن و آنهم در سوره «انسان آیه 5» به کار رفته است.

«زنجبیل»

زنجبیل یک بار قرآن عظیم الشان یاد کرده و آن را آمیزه نوشیدنی بهشتیان یاد کرده است. (سوره انسان آیه 17)

«عدس» (نسک)

قرآن کریم از عدس در ماجرای بنی اسرائیل و تقاضای آنان از حضرت موسی ذکر می کند. (سوره بقره آیه 61)

«کدو» (کدو)

کدو در قرآن کریم یکبار و در سوره «صافات آیه 146» آمده و در آن اینگونه بیان شده که خداوند پس از نجات دادن حضرت یونس از شکم ماهی بر سرش بوته کدویی رویانید تا او از اشعه سوزان آفتاب در امان باشد.

میوجات و درختانی جنتی:

در مورد اینکه در بهشت چه درخت های از میوه وجود دارد، آیت واحادیث در مورد اشارت مشخصی ندارد، و این جزو علم غیب است. فقط می دانیم که، بر طبق بعضی از نصوص شرعی (کتاب و سنت) اسم بعضی از میوه ها و درختهای بهشتی ذکر شده اند، مانند میوه انار و خرما و سیب و .. و یا درخت سدر..

اما باید به این نکته مهم هم توجه نمود که: در آنجا اهل جنت هر میوه ای که بخواهند برایشان مهیا می شود، چرا که در قرآن آمده: «وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (20) وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ» (سوره الواقعة / 20-21). یعنی: و هر نوع میوه را که برگزینند و بخواهند، به کامل ترین و زیباترین صورت برایشان فراهم خواهد بود. و از گوشت انواع پرندگانی که بخواهند به هر صورتی که بخواهند کباب شده یا پخته شده و یا به صورتی دیگر که بخواهند برایشان فراهم خواهد شد.

و «يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ» (سوره الدخان / 55) یعنی: آنان در بهشت هر میوه ای را که بخواهند از آنچه که در دنیا اسمش هست و از آنچه که در دنیا اسمی از آن نیست شبیهی ندارد می طلبند، پس هر میوه ای، از هر نوع را که بخواهند بدون زحمت و مشقت فوراً برایشان حاضر می گردد.

و فرمود: «وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ؛ لَا مَفْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ» واقعه (32-33). یعنی همانند

سوره التین

میوه های دنیا نیستند که در بعضی وقت ها یافت نمی شوند و فقط در برخی فصل ها در دسترس هستند و به دست آوردنشان مشکل است، بلکه میوه های بهشت همواره و همیشه وجود دارند و چیدن و استفاده از آن راحت است و انسان در هر حالتی که باشد به آن دسترسی دارد. و فرمود: « إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ * وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ » (مرسلات 40-41).

یعنی: پرهیزکاران در میان درختان متنوع و سایه سار و سرسبز و با طراوات و چشمه سارانی دیدنی هستند که از چشمه ی سلسبیل و رحیق سرچشمه می گیرند. و بهترین و پاکیزه ترین میوه هایی که دلخواه آنان است و آرزو می کنند برایشان مهیاست. و فرمود: « وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهٍ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ » (سوره البقره / 25). (به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، بشارت ده که باغهایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. هر زمان که میوه ای از آن، به آنان داده شود، می گویند: «این همان است که قبلا به ما روزی داده شده بود. (ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالیتر است.))» و میوه هایی که برای آنها آورده می شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند. و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود. (در تفسیر سعدی آمده: « میوه های بهشتی همه در زیبایی و طعم همسانند و در میان آن میوه مخصوصی وجود ندارد، و اهل بهشت همواره در ناز و نعمت بسر می برند. پس آنها همواره با خوردن آن میوه ها لذت می برند. « وَأَتُوا بِهٍ مُتَشَابِهًا » عده ای می گویند میوه های بهشت تشابه اسمی دارند اما در مزه با یکدیگر فرق می کنند. گروهی نیز می گویند در رنگ با یکدیگر متشابه هستند اما در اسم فرق می کنند. برخی نیز در این باورند که در زیبایی و لذت تشابه دارند شاید این بهترین قول باشد.» هر بار که نعمتی جدید به آنها تقدیم می گردد چون میوه ها در ظاهر به یک شکل و صورت می باشد گمان می کنند که همان میوه قبلی است، ولی در حقیقت این چنین نیست. و همه آنها در مزه و طعم و خوشبویی خواص منحصر به فرد داشته و با دیگری متفاوتند.

و این آیات نشان می دهند که محدودیتی در بهشت از نظر میوه ی دلخواه وجود ندارد، و حتی میوه های جدیدی وجود دارند که در دنیا وجود نداشته است.

و همچنین در مورد درختان جنتی آمده: « وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ * فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ » (سوره واقعه 27-29).

یعنی: اما اصحاب سعادت، اصحاب سعادت چه حال دارند؟ یعنی حالت بسیار خوبی دارند. « فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ » در میان درختان سدري هستند که خارهایشان گرفته شده و بریده شده است و شاخه های خراب آن قطع گردیده و به جای خار و شاخه های مضر میوه قرار داده شده است، و درخت سدر ویژگی هایی چون سایه گسترده و آرامش یافتن انسان در سایه آن را دارا می باشد.

سوره التین

« وَطَلْحَ مَنضُودٍ » « طَلْحَ » درخت بزرگی است که در صحرا می روید و میوه ای لذیذ و خوشمزه دارد و خوشمزه است.

ابن ابی‌الدنیا از سلیم بن عامر روایت می‌کند که فرمود: اصحاب رسول‌الله صلی الله علیه وسلم می‌گفتند: خداوند در آمدن اعراب بادیه‌نشین و سؤالاتشان ما را مستفید می‌گرداند. روزی یکی از بادیه‌نشینان به خدمت رسول خدا صلی الله علیه وسلم رسید و گفت: یا رسول‌الله صلی الله علیه وسلم! خداوند در بهشت درختی را عنوان کرده که آزاردهنده است و من فکر نمی‌کردم که درخت آزاردهنده‌ای در بهشت وجود داشته باشد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «آن چه درختی است؟» گفت: درخت سدر. این درخت، خار دارد و خارش مزاحم است. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «مگر نه این که خداوند فرموده است (فِی سِدْرٍ مَّخْضُودٍ) (سوره الواقعة آیه 28) خداوند خار آن را برداشته و به جای هر خار ثمری رویانده است. ثمری از این درخت می‌روید که هر دانه‌اش به هفتاد و دو رنگ درآمده و هیچ کدام از رنگ‌هایش شبیه دیگری نیستند.»

و فرمود: «هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ» (سوره انعام آیه 141).

یعنی: و اوست که باغهایی آفرید نیازمند به داربست و بی نیاز از داربست، و درخت خرما و کشتزار، با طعمهای گوناگون، و درخت زیتون و انار، که از جهتی با هم شبیه، و از جهتی تفاوت دارند.

خلاصه اینکه در جنت همه انواع میوه همچون سیب، خرما، انگور و انار و زیتون و غیره وجود دارد، تا چه رسد به انواع گل‌ها و شکوفه‌های خوشبو و در یک کلمه درجنت چیزهایی وجود دارد که هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ گوشی آن را نشنیده و هیچ کدام از آن حتی بر فکر کسی نیز خور نکرده است، خداوند ما را بی‌نصیب نگرداند.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست:

معلومات مؤجز
ترجمه مؤجز
وجه تسمیه
کوه زیتا یا کوه زیتون
اسباب نزول
محتوا سوره
ترجمه و تفسیر
رابطه ایمان و عمل صالح
آثار و فواید پیوند ایمان و عمل صالح
محوزدودن گناهان
عامل سعادت و رستگاری
محبت آفرینی و ایجاد دوستی
نتیجه گیری
پیام های این سوره
میوجات و حبوبات ذکر شده در قرآن
میوجات و درختانی جنتی

منابع و مأخذ های عمده :

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- امام سیوطی کتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن/ سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف داکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری